

آبرچالش‌هایی که روبه‌وخامت می‌روند

۴ آبرچالش آینده اقتصاد ایران چیست؟ در چند سال گذشته، بخشی از ساختار اقتصاد ایران به دلایل مختلف روبه‌وخامت گذاشته و برای رفع آنها فرصت کمی باقی مانده است. آیا سیاستگذار اجازه می‌دهد این آبرچالش‌ها به یک بحران تبدیل شوند؟

۲ فقر

در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، بیش از ۳۰ میلیون نفر به زیرخط فقر سقوط کردند. آمار بسیار غم‌انگیزی از کاهش درآمد سرانه مردم ایران که خود را در چهره خشن فقر در شهرها و روستاهای کم‌برخوردار نشان می‌دهد. فقر غذایی و کاهش کالری دریافتی در بسیاری از شهرها و روستاها یک بحران بزرگ است. اما حالا فقر به حوزه‌هایی چون بهداشت و درمان، مسکن و حتی نظام آموزشی و آب و برق نیز کشیده شده است.

۴ صندوق‌های بازنشستگی

در سال ۱۳۹۵ سهم صندوق‌های بازنشستگی در بودجه عمومی دولت ۳۴٫۲ هزار میلیارد تومان بود. اما این رقم در سال ۱۴۰۲ به بیش از ۳۵۱ هزار میلیارد تومان رسید. در صندوق‌های بازنشستگی کشوری، نسبت بیمه‌پردازان به مستمری‌بگیران به زیر نیم‌درصد رسیده و ناترازی صندوق‌های بازنشستگی در نقطه فوق بحرانی قرار دارد. آیا کسانی که امروز مشغول فعالیت هستند، می‌توانند در سالمندی امیدوار به دریافت حقوق بازنشستگی باشند؟

۱ نظام بانکی

ناترازی در بانک‌ها به شدت بالا گرفته و ابتدای سال ۱۴۰۳ بانک‌ها تهدید شدند که اگر اضافه برداشت‌های خود را اصلاح نکنند، منحل می‌شوند. فعلاً خبری از اجرای این تهدید نبوده و بانک‌ها هم به کار خود مشغول بوده‌اند. نظام اقتصادی ایران تجربه ورشکستگی برخی از موسسه‌های اعتباری را در سال ۹۶ داشته و هزینه‌های آن را نیز با رشد نقدینگی و پایه پولی و حتی نرخ ارز داده است.

۳ تورم

از سال ۹۵ که به واسطه اجرای توافق هسته‌ای موسوم به برجام، اقتصاد ایران نفسی تازه کرد و حتی نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد رسید، تاکنون ۸ سال گذشته است و دیگر خبری از آن تورم تک رقمی نبوده که هیچ؛ تورم سال‌هاست در عدد و رقم بالایی به صورت «مزمین» درآمده و در کانال ۴۰ درصد و ۳۰ درصد، جا خوش کرده است. برای اقتصادی که تورم مزمین دورقمی دارد و نوسان نرخ ارز به واسطه تحریم‌ها، هر لحظه تهدید تورم سه رقمی را نیز بیشتر می‌کند؛ چه اولویاتی بالاتر از کاهش تورم؟

